

## ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آیت‌الله صانعی

حضرت آیت‌الله العظمی جناب آقای یوسف صانعی

با سلام و تحیت و دعا برای سلامتی حضرت‌تعالی و آرزوی توفیق جلب رضایت الهی و خدمت به ایران و اسلام برای آن مرجع عالیقدر، از این‌که مصدع اوقات شریف می‌شویم عذرخواهی نموده و تقاضای بذل توجه داریم.

به یقین می‌دانیم که به علت اشراف کافی به مسائل روز از ستم‌هایی که بر اقشار مختلف ملت و گروه‌های سیاسی از جمله به نهضت آزادی ایران و اعضای آن، روزنامه‌نگاران و دانشجویان عزیز طی سال‌های اخیر رفته است اطلاع کافی دارید با این همه برای مزید اطلاع و فایده تکرار و تذکر، یک نسخه از دادنامه صادره توسط شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران و یک نسخه از بیانیه اخیر ارسال می‌گردد. از جنابعالی که سال‌ها در سمت دادستان کل کشور انجام وظیفه نموده‌اید و عضو فقهای شورای نگهبان بوده‌اید و همچنین از مفسرین و شارحین کتاب و سنت هستید می‌خواهیم که با دید کارشناسی، فقهی، حقوقی، شرعی و عرفی بفرمایید رفتارهای دادگاه انقلاب اسلامی با کدام معیار دینی یا قانونی انطباق دارد؟ جنابعالی از آن‌چه که امروز به نام روحانیت شیعه با ادعای طرفداری از مرجعیت و فقاقت و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت سلام‌الله‌علیهم اجمعین در کشور می‌گذرد به خوبی واقفید، با جود این به حکم: فَذَكَرَ ان الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ، معذره الی ربکم و لعلهم یتقون، وظیفه خود می‌دانیم که از باب انجام تکلیف و نیز به عنوان هشدار نسبت به واقعیت‌ها و پیامدهای اعمال ناروایی که به نام دین و روحانیت انجام می‌شود و این که نتایج مصیبت‌بار آن بر طبق آیه شریفه «اتقوا فتنه لاتصیبین الذین ظلموا منکم خاصه» تنها متوجه مسبین، آمرین و عاملین آن نخواهد بود. اعلام‌خطر نمائیم و هشدار بدهم.

اگر نهضت آزادی ایران در همان ماه‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی اصرار داشت که نام اسلام برای نهادهای مختلف کشور گذارده نشود، بر حضرت‌عالی و همگان پوشیده نیست که نه به دلیل سستی یا عدم اعتقاد به اسلام، بلکه به این دلیل بود که بعداً خطاها و تخلفات احتمالی گردانندگان و مسئولین کشور به حساب اسلام نوشته نشود، این چنین که امروز اتفاق افتاده است و چهره نورانی اسلام مخدوش نگردد.

آیا از مسئولان امور نباید پرسیده شود که چرا نتیجه شصت سال حکومت پهلوی با آن همه تبلیغ علیه اسلام راستین و تشویق جوانان به فساد و بی‌بند و باری، اقبال و رویکرد قشرهای مختلف مردم به ویژه جوانان و تحصیل‌کرده‌ها به دین و دینداری بود ولی نتیجه حکومت بیست‌وچند ساله به نام دین و روحانیت، دین‌گریزی، فساد، شیوع رشاء و ارتشاء و رباخواری و رویگردانی نسل دین و جوان از روحانیت و باورهای دینی بوده است؟ آیا نباید به ریشه‌یابی این رخدادها فاجعه‌آمیز پرداخت؟ و آیا اگر کسی یا گروه و حزبی از جمله نهضت آزادی ایران بنا بر احساس وظیفه و تکلیف مستتبط از حکم الهی:

«ولتكن منكم امه يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر» و به قصد اصلاح انگشت بر منهيّات و منكرات بيّن و آشكار گذاشت، بايد به تيرهای تهمت، افترا و تكفير، انحلال و زندان محكوم و گرفتار شود؟ آیا به نظر حضرت عالی پاداش و سزای مردان و زنان مخلص و دلسوز نسبت به اسلام و ايران برای هشدار دادن به مسئولان كشور بايد زجر و حبس و بدنامی رهبران و فعالين آن و انحلال و غيرقانونی نمودن حزب و مصادره اموال و محروميت از همه امكانات و خاموش كردن همه صداها باشد؟ آیا کسی نیست که به این سؤال پاسخ دهد که اگر انذار تعدادی انگشت‌شمار برای حاکمان غيرقابل تحمل است با انذار الهی که: «وانذرالناس يوم يأتيهم العذاب فيقول الذين ظلموا ربنا ...» چه خواهند کرد؟ مگر اميرالمؤمنين و مولای متقيان علی عليه‌السلام نفرمود: من اقر بعد ضرب او حبس او تجريد او تخويف، فلا اقرار عليه؟» اگر این کلام حق است، که حتماً هست، آیا حبس و زجر و ترساندن آمران به معروف و ناهيان از منکر و معترضان به عملکرد مسئولان و گرفتن اقرار و اعتراف کذب‌آلود عليه آنان و در بوق و کرنا گذاشتن آن به قصد هتک حرمت و آبروی افراد، آن هم به نام دين نهادن بدعتی آشکار در دين نیست؟ آیا ظمی بالاتر از انجام چنین اعمالی به نام مقدس دين مبین اسلام و نسبت دادن اين رفتارها و گفتارهای مغاير شرع و انسانيت به خدا و پیامبر وجود دارد؟ آیا در قرآن کریم نفرموده است: واصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغداه و العشي يريدون وجهه، ما عليك من حسابهم من شيئي» یا: «وما من حسابك عليهم من شيئي ...» و یا: «ولاتطرد الذين يدعون ربهم بالغداه و العشي يريدون وجهه ما عليك من حسابهم من شيئي و ما من حسابك عليهم من شيئي فتطردهم فتكون من الظالمين»؟ مگر پیامبر اکرم (ص) نفرموده است: «اذا ظهرت البدع فلعالم يظهر علمه و الا فعليه لعنة الله»؟ آیا آنانی که امروز این رفتارها را با مردان مؤمن و مجاهد در راه حق، می‌کنند خود را عالم دینی نمی‌دانند و یا به حقایق امور و سوابق مردانی که نیم قرن با کمال صداقت و ایمان پاک به دين خدا و این مرز و بوم خدمت کرده‌اند آگاهی ندارند؟

ما از محضر جنابعالی می‌پرسیم آیا این رفتارها و منحل نمودن حزب نهضت آزادی ايران و در بند کردن افرادی که صداقت و ایمان و خدماتشان به ايران عزیز و اسلام در داخل و خارج غيرقابل انکار است مشکلی از مشکلات فراوان و پیچیده كشور را حل می‌کند و موجب عدم خروج فوج فوج افراد ملت به خصوص جوانان از دين یا میهن عزیزمان و لطمه زدن به وجهه كشورمان در خارج نخواهد شد؟ آیا چنین برخوردهایی، فساد، تباهی، نابودی حرث و نسل، رشاء و ارتشاء و سایر مفاسد و آسیب‌های اجتماعی را در پی نخواهد داشت؟

به نظر ما در مقابل رفتارهایی که شرح آنها رفت دو راه بیشتر وجود ندارد: یا امر به معروف و ناهی از منکر بودن و یا سکوت و تایید ضمنی پیش گرفتن. آیا علت سرنگونی رژیم‌های گذشته فقط اسم و عنوان آنها یا نوع لباس حاکمان بوده است و آیا عملکرد و نادرست در لباس روحانیت از منظر الهی بدون عقاب خواهد ماند. یا آن که نیز باید به قرآن مجید متمسک شویم که می‌فرماید: «و لقد اهلکنا القرون من قبلکم لما ظلموا ...» به یقین وعده الهی حق است و رهایی از عقاب او بدون تعویض عملکردها غيرممکن.

قانون اساسی یک میثاق ملی لازم‌الاتباع برای همه به خصوص حاکمان بر مسند قدرت نشستگان است و ضرورت التزام عملی حاکمان به اصول قانون اساسی، به خصوص اصول مصرحه در فصول سوم، پنجم و هفتم قانون اساسی، در رابطه با حقوق مردم و حاکمیت ملت بیش از مردم عادی است. اگر حاکمان

قانون را رعایت نکنند نه تنها اعتبار خود را در میان مردم از دست می‌دهند بلکه به علت شکستن تعهدات و سوگندها در نزد خدا و خلق خدا، مسئول می‌باشند. خداوند از مؤمنان خواسته است که: «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود»

نهضت آزادی ایران متهم به اقدام علیه امنیت ملی است. در شرایطی که انسدادهای داخلی و خطرات خارجی بیش از هر زمان کیان مملکت را تهدید می‌کند، و وفاق ملی یک ضرورت عقلانی است محاکماتی این‌چنینی و صدور احکام سنگین و انحلال یک حزب چهل و چند ساله، آیا خود بزرگترین اقدام علیه امنیت ملی نیست؟

نهضت آزادی ایران متهم به تبلیغات علیه نظام جمهوری اسلامی است. آیا چگونگی بازداشت، محاکمه غیرقانونی رهبران و اعضای نهضت آزادی و سایر شخصیت‌های ملی-مذهبی و صدور احکام سنگین، بزرگترین تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران نیست؟

آنچه نهضت آزادی ایران می‌خواهد این است که چون اتهامات علیه نهضت آزادی ایران حزبی که در طول تاریخ چهل و چند ساله خود، مصدر خدمات بزرگی به ایران و اسلام و انقلاب بوده است از مقوله جرایم سیاسی است و صرفنظر از صحت و سقم اتهامات، بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی و قانون احزاب (مصوب شهریور ۱۳۶۰) در یک دادگاه علنی با حضور هیأت منصفه رسیدگی شود.

از جنابعالی که خود دادستان کل منصوب رهبر فقید انقلاب بوده‌اید می‌خواهیم که با دید فقهی و حقوقی، شرعی و عرفی بفرمایید که رفتار دادگاه انقلاب اسلامی با کدام یک از موازین و معیارهای دینی و قانونی قابل توجیه است و چرا نباید نهضت آزادی ایران در یک دادگاه علنی و با حضور هیأت منصفه محاکمه شود.

ما با شناختی که از حضرتعالی داریم برایمان مسلم است که در این واقعه نیز مسیر حق را انتخاب خواهید فرمود.

و مانريد الا الاصلاح ما استطعنا على الله توكلنا و اليه نشكوا و اليه المصير

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران